

۱. موضع گرجستان در خصوص تهاجم آمریکا به عراق

تقریباً از ابتدای مارس ۲۰۰۳ (اوایل اسفند ۸۱) زمزمه‌های دولتمردان گرجستان در خصوص حمایت این کشور از آمریکا در صورت حمله آمریکا به عراق شروع و دولت این کشور اولین اقدام عملی خود را در این زمینه با ارسال یک لایحه به پارلمان گرجستان آغاز نمود، که با نابوری رئیس جمهور و بسیاری از دست‌اندرکاران سیاست خارجی این کشور مثل دبیر شورای عالی امنیت ملی گرجستان، این لایحه در وهله اول با مخالفت اعضای پارلمان مواجه گردید و بسیاری از اعضای پارلمان آن را به نوعی تحت سلطه رفتن گرجستان و خدشه‌دار شدن استقلال این کشور دانسته و با آن مخالفت کردند.

با شروع جنگ آمریکا با عراق، رئیس جمهور گرجستان اعلام کرد که گرجستان رژیم عراق را یک تهدید جدی برای امنیت جهانی دانسته و ضمن ناکارآمد خواندن شورای امنیت و سازمان ملل در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حمله نظامی آمریکا به عراق را اقدامی مشروع دانست و آمادگی کشورش را برای همکاری با واشنگتن اعلام داشت. همچنین پارلمان این کشور با فشارهای وارده از سوی دولت مجدداً لایحه مربوط به موافقتنامه همکاری‌های نظامی آمریکا با گرجستان که بر طبق آن نظامیان آمریکایی از مزایای دیپلماتیک در گرجستان برخوردار می‌شوند را در مورخ ۸۲/۱/۱ تصویب کرد.

در این مدت مقامات گرجی بارها آمادگی گرجستان برای در اختیار قرار دادن فضا و فرودگاه‌های نظامی کشور و حتی اعزام نیرو برای کمک به آمریکا در این جنگ را اعلام داشته‌اند.

۲. دلایل اتخاذ این سیاست از سوی گرجستان

برای ریشه‌یابی این موضوع دلایل نزدیکی گرجستان به غرب را بررسی می‌کنیم.

پس از فروپاشی شوروی گرجستان با دو مشکل عمده زیر مواجه بوده است:

الف) مشکلات اقتصادی و پیامدهای ناشی از آن: از مهمترین مؤلفه‌های دخیل در فروپاشی شوروی، ضعف اقتصادی آن بود، بالطبع گرجستان به عنوان یکی از اجزای امپراتوری، این مشکل را به ارث برد، با این تفاوت که بسیاری از جمهوری‌ها در یک بخش از اقتصاد ملی خود دارای پتانسیل‌هایی بودند که می‌توانست به بقای آنها کمک نماید.

به‌عنوان مثال کشورهای مثل آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان دارای منابع نفت و گاز و یا کشور ازبکستان از یک بخش کشاورزی نسبتاً خوب بهره‌مند و یا کشورهای اوکراین و بلاروس در بخش صنعت از توانمندی‌های مطلوبی برخوردار بودند. اما هیچ‌یک از بخش‌های اقتصادی گرجستان چنین پتانسیل قابل‌ی را نداشتند.

ضمن آن که جنگ داخلی به دلیل بروز کشمکش بین تفلیس و سوخومی و تفلیس تسخینوالی به عنوان دو جمهوری از اجزای این کشور صدمات جبران‌ناپذیری را به اقتصاد این کشور وارد و انشقاق سیاسی و درگیری بین طرفداران گامساخوردیا اولین رئیس‌جمهور گرجستان و طرفداران شواردنادزه این وضعیت را پیچیده‌تر نمود. روسیه به عنوان وارث اتحاد شوروی خود از مشکلات اقتصادی زیادی رنج می‌برد. گرچه مسکو بعد از فروپاشی و حداقل تا سال ۹۳ کمک‌های نسبتاً خوبی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در اختیار گرجستان قرار داد.

اما زمامداران این کشور به دلیل نیاز این کشور و همچنین به دلیل وجود جو گرایش به غرب و جذب کمک‌های آن و مسابقه‌ای که در این خصوص بین این کشورها در گرفته بود، گرایش به غرب و ادغام این کشور در ساختار کشورهای غربی و به‌ویژه ساختارهای اقتصادی آن را به عنوان سیاست اقتصادی نوین خود انتخاب و با هدایت کشورهای غربی و سازمان‌های مالی بین‌المللی گام‌هایی را در مسیر فاصله گرفتن از اقتصاد دولتی و کمونیستی و ایجاد اقتصادی مبتنی بر بازار برداشتند.

در یک ارزیابی می توان گفت که اتخاذ این سیاست موفقیت‌هایی را از جمله تثبیت نرخ ارز و لاری در این کشور، خصوصی سازی بخشهای زیادی از اقتصاد و حتی پیوستن به سازمان تجارت جهانی و مواردی از این قبیل را نیز نصیب گرجستان نمود. گرچه مشکلات اساسی در این بخش مانند درآمد کم اکثریت جامعه، بدهی کلان خارجی، بیکاری و رواج بی حد فساد مالی از بین نرفته است. نگاهی به صادرات و واردات این کشور طی سالهای ۹۶ تا ۲۰۰۲ و نوع موازنه آن که همواره سیر منفی داشته است، بیانگر عدم تثبیت اقتصادی کشور می باشد.

سال	میزان صادرات	میزان واردات	توازن تجاری	کل مبادلات
۱۹۹۶	۱۹۸/۸	۶۸۶/۸	-۴۸۸	۸۸۵/۶
۱۹۹۷	۲۳۹/۸	۹۴۳/۵	-۶۹۴/۷	۱۱۸۳/۳
۱۹۹۸	۱۹۲/۳	۸۸۴/۳	-۷۹۲	۱۰۷۶/۶
۱۹۹۹	۲۳۸/۲	۶۰۱/۹	-۳۶۳/۷	۸۴۰/۱
۲۰۰۰	۳۲۹/۹	۶۵۰/۷	-۳۲۰/۸	۹۸۰/۶
۲۰۰۱	۳۲۰	۶۸۴/۱	۳۶۴/۱	۱۰۴۰/۱
۲۰۰۲	۳۲۵/۱	۷۲۰/۱	۱۰۴۵/۲	

در هر حال یکی از عواملی که طی این چند سال از فروپاشی اقتصادی این کشور جلوگیری نموده است، کمکهای دریافتی از کشورهای غربی و حتی روسیه به طور غیرمستقیم (ارسال گاز و برق به این کشور با قیمت‌هایی به مراتب پایین تر از قیمت‌های جهانی که کمک بسیار شایانی به این کشور فاقد منابع تأمین انرژی است) می باشد. به عنوان مثال میزان کمکهای آمریکا بیش از یک میلیارد دلار تا پایان سال ۲۰۰۲ (برخی اخبار غیررسمی میزان کمکهای آمریکا را بیش از دو میلیارد دلار عنوان نموده‌اند) و آلمان ۲۵۵ میلیون دلار بوده است. این کمکهای تأثیر زیادی بر بقای این کشور و اقتصاد آن نموده است.

آمریکا برای جذب این کشورها، تقریباً از سال ۱۹۹۳ استراتژی مدونی برای سیاست خارجی خود در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز طراحی و به اجرا گذاشت این استراتژی ارائه کننده و هدایت کننده سیاستها و اهداف این کشور در سه مقوله سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. در بخش اقتصادی این استراتژی دو طرح عمده:

- ایجاد کریدور حمل و نقلی شرق به غرب؛

- ایجاد خط باکو - تفلیس - جیهان و خط گاز باکو - تفلیس - ارزروم؛ را پیشنهاد و به اجرا گذاشت. از جمله پیامدهای اجرای این دو طرح، کاهش وابستگی کشورهای مسیر کریدور حمل و نقل شرق به غرب به روسیه و ایران و در نتیجه کاهش نفوذ این دو کشور در منطقه بود.

در مبحث انتقال انرژی نیز، هدف این بود و می باشد که کشورهای برخوردار از منابع نفت و گاز در آسیای مرکزی و قفقاز بتوانند فارغ از فشارهای روسیه و نفوذ آن و یا انتقال این منابع از طریق ایران به خلیج فارس (که نتیجه آن اتکای هر چه بیشتر آمریکا و جهان غرب به تأمین انرژی از منطقه خلیج فارس می شود)، نفت خود را صادر و سرمایه اولیه برای ترمیم زیرساختهای مورد نظر برای جلب سرمایه گذاری را فراهم نمایند. از طرفی با انتقال و ترانزیت این منابع از طریق کشورهایی که فاقد این منابع انرژی هستند مثل گرجستان و ترکیه منابع ارزی حاصل از این ترانزیت، تا حدودی مشکلات اقتصادی آنان را مرتفع سازد.

ارائه این طرحها و وعده عایدات ناشی از اجرای آنها، تمایل کشورهای مثل گرجستان را که در مشکلات اقتصادی غوطه ور بوده و منابع درآمدی دیگری آن هم با این سطح و تقریباً با کمترین سرمایه گذاری برایشان قابل تصور نبود را بیش از پیش به آمریکا و کشورهای غربی متمایل ساخت.

ب) بحران جدای طلبی در جمهوری آبخازیا و منطقه اوستیای جنوبی: از دیگر عوامل عمده ای که باعث جذب کشور گرجستان به غرب گردید بروز جدایی طلبی در جمهوری خودمختار آبخازیا و منطقه خودمختار اوستیای جنوبی می باشد. زیرا مقامات گرجی معتقدند که جدایی طلبان آبخازی با کمک مستقیم و غیرمستقیم روسیه توانستند علیه تفلیس بجنگند و با کمک این

کشور است که آبخازیا توانسته از سال ۱۹۹۴ تاکنون پابرجا مانده و اقدامات طرف گرجی که از طرق مختلف از جمله توسل به شورای امنیت سازمان ملل برای کمک به حل و فصل مناقشه و یا استفاده از ابزارهای نظامی برای اعاده تمامیت ارضی گرجستان را با شکست مواجه سازد.

این مسأله باعث شده که شواردنازه در توجیه حمایت گرجستان از اقدام آمریکا در حمله به عراق و عدم کسب اجازه این کشور از شورای امنیت را به دلیل کارآمدی سازمان ملل در حل مشکلات و مسایل بین‌المللی، اقدامی مشروع اعلام نماید و استناد وی نیز این بود که با وجود اصرار گرجستان برای حل مسأله آبخازیا از طریق سازمان ملل، چندین بار طرح موضوع حل و فصل آبخازیا در شورای امنیت با ممانعت مسکو مواجه شده است و بالنتیجه، این سازمان در حل و فصل مسأله عراق نیز کارایی نداشته و اقدام آمریکا مشروع بوده است.

موارد فوق از مهمترین دلایل نگرش سیاست خارجی گرجستان در گذشته و حال به غرب می‌باشد. این موارد باعث شد تا گرجستان خواستار ادغام در ساختارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی غرب از جمله در ناتو، شورای اروپا، سازمان تجارت جهانی و حتی اتحادیه اروپا گردد و در مقابل کمکهایی که غرب و به‌ویژه آمریکا به این کشور نموده و می‌نماید اعطای امتیازاتی به کشورهای غربی را مدنظر قرار دهد که از جمله آن:

اجازه استفاده نظامی ترکیه و آمریکا از پایگاهها و فرودگاههای نظامی این کشور، مشارکت در برنامه‌های مختلف ناتو و برگزاری مانورهای نظامی ناتو در گرجستان، امضای موافقتنامه همکاری نظامی با آمریکا که به موجب آن سربازان آمریکایی و کلیه افراد حقیقی و حقوقی آمریکایی که به نوعی با وزارت دفاع آمریکا در ارتباط می‌باشند، در گرجستان از مصونیتها و مزایای ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. امضای موافقتنامه دوجانبه‌ای که بین دو کشور در خصوص باز بودن آسمان گرجستان بر روی هواپیماهای آمریکایی و اجرای برنامه آموزش نظامیان گرجی توسط مربیان آمریکایی، می‌باشد.

ج) دلایل دیگر همکاری نزدیک گرجستان با آمریکا در مقطع کنونی: این دلایل را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

بهره‌برداری از شرایط به وجود آمده برای کشاندن آمریکایی‌ها به گرجستان که این امر با دعوت مداوم از آمریکا برای استفاده از فرودگاه‌های نظامی و پایگاه‌های نظامی گرجستان در دست اقدام می‌باشد. در این صورت و پس از پایان جنگ با عراق، گرجی‌ها خواهند توانست تا حدود زیادی مسئولیت حفظ امنیت خود در مقابل کرملین را با مخارج آمریکایی‌ها تأمین نمایند. شواردناده و اطرافیان وی به دلیل عدم برخورداری از محبوبیت مردمی در صدند تا با دادن امتیاز به آمریکا، به نوعی موافقت آمریکا و سایر کشورهای غربی را برای ادامه حکومت جناح سیاسی خود جلب و با آینده‌نگری از بروز مخالفت‌های آتی کشورهای غربی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر بر علیه اقدامات آنان برای ادامه حکومت خود، جلوگیری نمایند.

بیم و نگرانی گرجی‌ها از درگیر شدن دولت آمریکا در تحولات بین‌المللی و غفلت و یا کاهش حمایت مالی و سیاسی از تفلیس بخصوص در مقابل کرملین، باعث شده است تا با نزدیکی هرچه بیشتر و با بزرگ‌نمایی این نزدیکی بخصوص نزد آمریکایی‌ها، جریان حمایت‌های مالی و سیاسی آمریکا در آینده را نیز تضمین نمایند.

۳. تأثیر دیپلماسی جاری بر آینده سیاست خارجی گرجستان

بدون شک این موضع (حمایت از جنگ) تأثیرات مهمی بر سیاست خارجی این کشور و در نگرش سایر کشورها به گرجستان خواهد داشت. در ادامه به‌طور خلاصه پیامدها و تأثیرات این موضع گرجستان بر روابط این کشور با کشورهای مختلف مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در مقطع کنونی به دلیل نامشخص بودن سرنوشت جنگ آمریکا با عراق نمی‌توان تحلیل قاطعی ارائه داد زیرا بسته به پیامد جنگ و نوع پیروزی آمریکا نوع رفتار هر سه طرف معادله یعنی آمریکا، گرجستان و روابط کشورهای دیگر با گرجستان و روابط گرجستان با این کشورها می‌تواند متفاوت باشد. در صورت پیروزی آمریکا بر عراق و موفقیت آمریکا در انجام موارد مورد نظر خود در عراق مانند ایجاد حکومتی به رهبری یک آمریکایی در عراق و استفاده از منابع نفتی این کشور: پیش‌بینی می‌شود قیمت نفت سقوط نموده و این امر بر روند اجرایی پروژه خط

باکو - تفلیس - جیهان تأثیر گذارده و در نتیجه تأثیرات منفی بر اقتصاد گرجستان بگذارد. تشویق آمریکا به ادامه ماجراجویی های نظامی خود در سایر نقاط جهان که در این صورت نیز پیش بینی می شود تا حدود زیادی میزان کمکهای آمریکا به گرجستان بخصوص در بخش کمکهای اقتصادی کاهش یابد. نکته قابل توجه این که از هم اکنون رئیس برنامه هماهنگ کننده کمکهای آمریکا به اروپا و آسیا از کنگره آمریکا درخواست نموده که دولت این کشور به دلیل آنچه وی اهمیت استراتژیک گرجستان برای واشنگتن اعلام نموده، ۷۵ میلیون دلار به عنوان کمک آمریکا به گرجستان در سال ۲۰۰۴ اختصاص دهد. میزان این کمکها در سال گذشته بالغ بر ۹۰ میلیون دلار بوده است.

۴. روابط گرجستان و روسیه

در فوق اشاره گردید که یکی از دلایل اصلی اتخاذ سیاست نزدیکی گرجستان به کشورهای غربی و به ویژه آمریکا، ترس و نگرانی دائمی گرجستان از خدشه به استقلال و تمامیت ارضی گرجستان از سوی روسیه بوده و می باشد.

اما گرجی ها نیز خود بر آن نکته واقفاند که دلیل اصلی حمایت روسیه از آبخازها و اوستی ها در گذشته و حال، نگرانی روسیه از نفوذ و حضور آمریکا و غرب در گرجستان و حضور در قسمتهای آسیب پذیر مرز روسیه یعنی مناطق چچن، اینگوش و داغستان می باشد.

با توجه به موافقتنامه های جدی بین آمریکا و گرجستان که به حضور بیشتر نیروهای نظامی و پایگاههای آمریکایی در گرجستان خواهد انجامید و به این دلیل که از هم اکنون آمریکا دست به اقدامات شک برانگیزی از قبیل پرواز هواپیماهای جاسوسی یو - ۲ در اطراف مرزهای روسیه زده است:

به نظر می رسد باید منتظر آینده تیره تری در روابط دو کشور روسیه و گرجستان بود. این امر هم در صورت پیروزی زود هنگام آمریکا در جنگ با عراق مصداق دارد و هم در صورت طولانی شدن جنگ، دو سناریو زیر توضیح دهنده این تحلیل است:

الف) وضعیت روابط گرجستان و روسیه در صورت پیروزی سریع و آسان آمریکا در جنگ با عراق: در صورت پیروزی سریع در جنگ با عراق، گرجستان و آمریکا فشار سیاسی مضاعفی را بر روسیه برای عدم مداخله در گرجستان و حل و فصل بحران آبخازیا و تخلیه پایگاههای روسیه وارد خواهند آورد. روسیه با توجه به برخورد تهاجمی تری که انتظار می‌رود آمریکا بعد از چنین پیروزی اتخاذ نماید سعی خواهد نمود تا با روشهای مختلف از جمله تشویق آبخازیا به شروع مذاکرات صلح و حل و فصل مناقشه، امتیازات مورد نظر خود را از طریق مشارکت آبخازیا در ساختار قدرت که در طرح سازمان ملل نیز پیش‌بینی شده محقق سازد.

همچنین روسیه به احتمال زیاد خواهد کوشید تا با استفاده از اهرمهایی نظیر نفوذ خود در شورای امنیت و اهرمهای اقتصادی نظیر گاز و برق صادراتی خود به گرجستان، فشارهای بیشتری را بر دولت این کشور (که پیش‌بینی ما در فوق این بود که در صورت پیروزی آمریکا از کمکهای کمتری برخوردار خواهد بود)، وارد آورد. در نتیجه شاهد یک روابط تیره‌تر بین دو کشور در میان مدت خواهیم بود.

ب) وضعیت روابط گرجستان و روسیه در صورت طولانی شدن جنگ با عراق: تحمیل هزینه‌های سنگین بر آمریکا که این مسأله باعث کاهش توانایی و نفوذ سیاسی این کشور در سطح جهان شده و نتیجه آن عدم اجرای سیاست خارجی آمریکا در سایر نقاط و عدم تحقق برنامه‌ها و تعهدات مالی واشنگتن به کشورهای وابسته خواهد بود. کاهش نفوذ آمریکا در جهان می‌تواند خودبخود باعث توانایی سایر بازیگران عرصه روابط بین‌الملل از جمله روسیه گردد.

در این صورت روسیه در اعمال فشار بیشتر بر گرجستان به سبب اتخاذ سیاست نزدیکی با آمریکا در گذشته و وادار نمودن تفلیس به ارائه امتیازات مورد نظر خود، تردید نخواهد کرد.

۵. گرجستان و اروپا

الف) مروری بر روابط گرجستان و کشورهای اروپایی: در ابتدا لازم است اشاره شود که همواره ملت و فرمانروایان گرجی خود را جزء ملل و تمدن مسیحیت و اروپایی دانسته و خواهان به‌شمار

آمدن گرجستان به عنوان یک کشور اروپایی بوده‌اند. اما عواملی چند در گذشته مانع تحقق این آرزو بوده است. یکی از مهمترین این موانع قرار گرفتن این کشور در کنار امپراتوری‌های بزرگ مسلمان بوده که تقریباً در بیشتر زمانها، حکام محلی گرجستان تحت استیلای این فرمانروایان بودند.

هرگاه امپراتوری‌های مسلمان نیز ضعیف می‌شدند و عرصه برای قدرت‌نمایی امپراتوری‌هایی مثل بیزانس که نزدیکترین امپراتوری مسیحی به این کشور بود، خالی می‌ماند، این امپراتوری نیز حاضر نبودند گرجستان را به عنوان یک واحد سیاسی مستقل به رسمیت بشناسند و خواهان تسلط بر این سرزمین و انقیاد فرمانروایان آن می‌شدند. به‌طوری که در آخرین تلاشی که حاکم این سرزمین برای خلاصی از به اصطلاح تسلط ایرانیان مسلمان نمود، ملت این کشور همان نیمه استقلال ظاهری خود را تا سال ۱۹۹۱ از دست داد.

اما با فروپاشی شوروی و مقایسه سطح پیشرفت و رفاه کشورهای اروپایی و غربی، این عطش دوباره زنده شد و شعار و سیاست ادغام گرجستان در ساختارهای غربی و اروپایی به عنوان یکی از اصلی‌ترین محورهای سیاست خارجی این کشور درآمد. با تلاشهایی که دوطرف برای تحقق آن انجام دادند گرجستان موفق شد به عضویت شورای اروپا درآید و تلاش این کشور برای عضویت در سایر ساختارهای اروپایی و غربی مانند سازمان آتلانتیک شمالی در بخش نظامی و پیوستن به اتحادیه اروپایی در بخش اقتصادی دو رویای این کشور در بخش سیاست خارجی می‌باشد. با برنامه‌ریزی‌های انجام شده و با عضویت گرجستان در برنامه مشارکت برای صلح ناتو و شرکت گرجستان در مانورهای مختلفی که ناتو برگزار نموده و یا در گرجستان برگزار کرده و می‌کند و اجرای برنامه‌های توصیه شده از سوی این سازمان مانند کاهش نیروهای مسلح این کشور و سعی در مطابقت نیروهای ارتش با برنامه و استانداردهای ناتو و برگزاری دوره‌های آموزش برای نیروهای نظامی و انتظامی گرجستان با هدایت و آموزش مستشاران آمریکایی و قولهایی که اعضای این سازمان در اجلاس پراگ به گرجستان داده‌اند، گرجستان امیدوار است بتواند تا سال ۲۰۰۵ به عضویت این سازمان درآید.

اما در مورد پیوستن به سازمانهایی اروپایی مثل اتحادیه اروپا، به نظر می‌رسد این حداقل امیدواری نیز موجود نباشد. به عنوان مثال با این که گرجستان و دو کشور دیگر قفقاز یعنی آذربایجان و ارمنستان نیز به عضویت شورای اروپا درآمده‌اند، شورای اروپا بارها گرجستان را به سبب عدم رعایت موازین این شورا بخصوص در بحث مربوط به حقوق بشر، تهدید به اخراج نموده است. در مورد پیوستن به اتحادیه اروپا، گرجستان به خوبی می‌داند که در حال حاضر حداقل به دلیل اقتصاد ناکارآمد و بیمار این کشور سخن گفتن از پیوستن به اتحادیه اروپایی معنا و مفهومی نمی‌تواند داشته باشد. با فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای اروپایی به‌طور مستقل و در چارچوب اتحادیه اروپا کمکهای اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی و امنیتی را در قالب همکاری‌های دوجانبه و یا از طریق سازمانهای مالی و سایر سازمانهای مربوطه، به این کشورها از جمله گرجستان اعطاء کردند.

در این میان جمهوری فدرال آلمان به دلیل کوششهایی که ادوار دشوار دوازده در زمان شوروی سابق برای عملی شدن اتحاد دو بخش شرقی و غربی آلمان به عمل آورده بود، کمکهایی به ارزش دویست و پنجاه میلیون دلار در اختیار گرجستان قرار داده و همچنین کمکهایی زیادی در خصوص برگزاری دوره‌های آموزشی به این کشور حتی در بحث آموزشهای نظامی و انتظامی نموده است. سایر کشورهای اروپایی نیز چنین کمکهایی را البته در مقایسه کوچکتر در اختیار این کشور قرار داده‌اند.

ب) تأثیر پیروزی سریع آمریکا در جنگ با عراق بر روابط گرجستان و کشورهای اروپایی مخالف جنگ: در ازای حمایت کشورهای حامی آمریکا در منطقه شرق اروپا و منطقه قفقاز، آمریکا در صدد پذیرش عضویت سریع این کشورها در ناتو خواهد آمد.

از آنجایی که برخی از این کشورها از جمله گرجستان هنوز استانداردهای لازم برای عضویت را دارا نمی‌باشند و از طرفی برای عضویت یک کشور اجماع کشورهای عضو لازم می‌باشد، بعید است کشورهای اروپایی مخالف سلطه آمریکا به راحتی حاضر به پذیرش اعضای جدید باشند. با توجه به عدم پیروی گرجستان از سیاستهای مورد نظر کشورهای اروپایی و

حمایت صریح و مجدانه از طرف مقابل این کشورها، انتظار می‌رود تا حدود زیادی از میزان کمکهای کشورهای اروپایی به این کشور نیز کاسته شود.

ج) وضعیت روابط گرجستان و کشورهای مخالف جنگ در صورت طولانی شدن جنگ با عراق: احتمال این که کشورهای اروپایی در تأمین اعتبار و حمایت از ایجاد کریدور حمل و نقل شرق به غرب و ایجاد خط لوله نفت باکو-تفلیس جیهان تجدیدنظر نمایند (با توسل به بهانه عدم صرفه اقتصادی) وجود خواهد داشت. زیرا حمایت کشورهای منطقه از آمریکا و نفوذ آمریکا در کشورهای این مسیر می‌تواند کشورهای اروپایی را به این جمع‌بندی برساند که در آینده و در صورت پیدایش بحران بین آمریکا و اروپا، این کشورها مجدداً نیز جانب آمریکا را خواهند گرفت که پیامد آن ایجاد بحران در بخشهایی از اروپا در زمینه تأمین انرژی و حمل و نقل و قطع یا اختلال در ارتباطات حمل و نقلی شرق به غرب خواهد بود که نتیجه آن برای گرجستان واضح و مبرهن است.

اهتمام کشورهای اروپایی به سایر مسیرهای انتقال انرژی و کریدورهای حمل و نقلی از جمله مسیر انتقال انرژی از طریق ایران و کریدور حمل و نقل شمال - جنوب؛ فشار مضاعف اروپا به این کشورها (از جمله گرجستان) برای رعایت موازین حقوق بشر و انتقاد شدید از مقامات مسئول این کشورها بخصوص رؤسای جمهور آنها (از جمله شواردنادزه) و مجبور نمودن آنان به کناره‌گیری از قدرت و برگزاری انتخابات سالم‌تر در این کشورها؛ همکاری بیشتر اروپا و روسیه در مسایل منطقه‌ای به منظور حفظ اتحاد بین اروپا و روسیه و ناکامی گرجستان برای وارد آمدن فشار از سوی کشورهای اروپایی برای حل بحران آبخازیا.

در این خصوص لازم است توجه کنیم که سیاستهای اتخاذ شده از سوی اروپا و بسیاری از کشورها در هر دو صورت پیروزی و یا طولانی شدن جنگ، در موارد زیادی مشابه و یکسان خواهد بود اما شدت و حدت این سیاستها و استراتژی اجرای آن در صورت پیروزی و یا طولانی شدن جنگ، متفاوت خواهد بود.

۶. روابط آتی گرجستان و ترکیه

گرجستان و ترکیه از جهات زیر دارای مشترکات زیادی می‌باشند: هر دو از کمک‌های آینده بهره‌مند می‌شوند، علاقمند به اجرای خط لوله باکو - تفلیس جیهان و خط لوله گاز باکو - تفلیس - ارزروم می‌باشند، تمایل شدیدی به اروپایی محسوب شدن دارند، کشورهای اروپایی خواهان رعایت موازین حقوق بشری و تصویب قوانین خاصی در این کشورها هستند. به دلیل مخالفت ترکیه با واگذاری پایگاه‌های خود به آمریکا برای جنگ با عراق، گرجستان اعلام کرده که حاضر است جای ترکیه را پر کرده و پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار آمریکا قرار دهد.

این مسأله نشان می‌دهد که گرجستان در آینده به صورت نوعی رقیب برای ترکیه عمل خواهد کرد و در واقع می‌تواند از جایگاه و اهمیت استراتژیک این کشور نزد آمریکا بکاهد که در آن صورت ترکیه دیگر قادر نخواهد بود بر روی جایگاه استراتژیک خود در منطقه مانور دهد. در صورت موفقیت آمریکا در اجرای طرح‌های خود در عراق یکی از پیامدهای آن کاهش قیمت نفت خواهد بود.

بروز اشکالاتی در روند اجرایی خط لوله نفت باکو - جیهان، عملی شدن پیمان‌های امنیتی نظیر پیمان امنیتی ترابوزان را نیز می‌تواند تحت تأثیر (منفی) قرار دهند. در صورتی که گرجستان بخواهد به عنوان یک رقیب برای ترکیه در منطقه ظاهر شود، آنکارا می‌تواند ضمن قطع کمک‌های خود به گرجستان، از طریق کنترل تنگه‌های بسفر و داردانل و اعمال تعرفه‌های سنگین برای طرف گرجی در امر صادرات و واردات، قدرت رأی خود در ناتو و حتی از طریق دخالت در حل و فصل بحران آبخازیا (در ترکیه حدود دو میلیون نفر از اقوام قفقازی زندگی می‌کنند که گرایش مثبت زیادی با آبخازها دارند) و مشکلات زیادی را برای گرجستان به وجود آورد.

داود زمانیان

سفارت جمهوری اسلامی ایران - تفلیس